بازتاب‌های «پرونده ویژه» هفته پیش دنیای اقتصاد:

وعده غذایی رایگان در مدارس محروم؛ به هزینه کردنش می‌ارزد؟

«پرونده ویژه» چهارشنبه اخیر دنیای اقتصاد، به بررسی برنامه «ارائه وعده غذایی رایگان در مدارس مناطق فقیرنشین» در مناطق مختلف دنیا پرداخته بود؛ برنامه‌ای که هم‌اکنون حدود ۶۰ کشور دنیا در سطوح مختلف به اجرای آن می‌پردازند و می‌کوشند تا از این طریق علاوه بر افزایش نرخ پوشش تحصیلی کودکان مناطق فقیرنشین، کمربند محکمی را برای جلوگیری از بروز سوءتغذیه در میان کودکان خانواده‌های محروم ایجاد کنند. همچنین در پرونده مذکور، محاسبه شده بود که ارائه وعده غذایی رایگان در یک پنجم از محروم‌ترین مدارس ابتدایی کشور، حدود ۶۸۰ میلیارد تومان برای بودجه سال ۹۲ هزینه در بر خواهد داشت.

یک هفته بعد از انتشار این پرونده، ۳ اقتصاددان، ۲ نماینده مجلس، یک جامعه‌شناس، یک عضو اتاق بازرگانی و ۲ مدیر باسابقه سازمان‌های مردم‌نهاد، تحلیل‌های خود را در حاشیه پرونده مذکور ارائه کرده‌اند.

برنامه‌ای تاثیرگذار برای «بودجه ۹۲»

توصیه می‌شود در کنار اختصاص بودجه برای ارائه «یک وعده غذای گرم» در مدارس، پرداخت یارانه نقدی به خانوارها نیز مشروط به حضور مستمر فرزندان آنها در مدرسه باشد

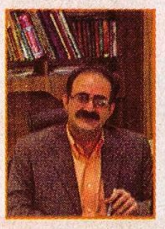

دکتر وحید محمودی*

۱- توسعه دانش و آگاهی عمومی و پایه نقش ابزاری کلیدی را در دستیابی به توسعه ملی ایفا می‌کند. لذا اطمینان از اینکه تمامی جمعیت یک کشور برخورد از سلامت و آموزش پایه هستند از الزامات یک جامعه رو به جلو است.

۲- توسعه ملی به‌طور اخص در گرو اهتمام و توجه به آموزش و پرورش است. به شواهد مطالعات تجربی، بالاترین نرخ برگشت در حوزه آموزش در حوزه آموزش ابتدایی است. جوامعی که دل در گرو توسعه دارند، باید یکی از برنامه‌های هسته‌ای (CarePlan) خود را بر توسعه کمی و کیفی آموزش ابتدایی متمرکز کرده و زبده‌ترین آموزگاران را در خدمت این مقطع آموزشی قرار دهند و بنا به اینکه این مقطع زمان شکل‌گیری شخصیت است، لازم است به مقوله «پرورش» بیش از «آموزش» اهتمام ورزیده شود.

۳- در برنامه عملیاتی سیاست‌گذاری عمومی، باید اولویت اول به پوشش صددرصدی آموزش و سلامت کودکان در سنین ۱۲-۵ سالگی داده شود.

۴- توزیع «یک وعده غذای گرم» و «شیر مدرسه» به‌طور روزانه و در طول تمام سال تحصیلی، نقش موثری در تامین سلامت و پوشش و فراگیری آموزش دارد. بنا به اینکه در مناطق روستایی و محروم عموما اولویت به تحصیل پسران داده می‌شود. این کار کمک شایانی به عدالت جنسیتی و مشارکت دختران در سرنوشت خود می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد با وجود اینکه برخی خانوارها به لحاظ درآمدی بالای خط فقر قرار دارند، اما فرزندان آنها بالاخص دختران دچار سوءتغذیه هستند. در برنامه‌های توانمندسازی و کاهش «فقر قابلیتی» که توسط سازمان‌های بین‌المللی از جمله بانک جهانی اجرا شده و عموما دختران و زنان را در جامعه هدف خود قرار داده‌اند، توانسته‌اند از طریق افزایش آگاهی عمومی و دانش تغذیه‌ای و برخورداری از قدرت جایگزینی یا جابه‌جایی برخی مواد خوراکی، وضعیتی ایجاد کنند که خانوارهای محروم بتوانند بدون تغییر در سطح درآمد خود، فرزندان‌شان را از سوءتغذیه بیرون بیاورند. بدیهی است این مهم از طریق پرداخت نقدی به خانوار محقق نمی‌شود. لذا با چنین ابزارهای تشویقی، دخترانی که روزی علاوه بر نقش‌آفرینی در جامعه در نقش مادر خانواده ایفای نقش خواهند داشت، از این آموزش در راستای وظایف مادری خود بهره خواهند گرفت.

۵- عدم توجه به این مهم از نقاط ضعف هدفمندی یارانه‌ها در ایران است و اولی است که یا از محل منابع طرح هدفمندی یا به‌طور مستقیم اختصاص ردیف مستقل و منابع کافی در بودجه سالانه، این طرح شکل اجرایی و تکمیل به خود بگیرد. اینجانب از نسلی هستم که در دوره ابتدایی در سال‌های پایانی قبل از انقلاب این سیاست حمایتی را تجربه کرده و خوب به یاد دارم که توزیع روزانه غذای گرم، پسته، موز و شیر چقدر در تامین نیازهای تغذیه‌ای ما و دلگرمی حضورمان در مدرسه موثر بود.

۶- برای اطمینان از اینکه اجرای این طرح همه افراد در سن تحصیل ۱۲-۵ سال را شامل شود. به عبارتی اطمینان پیدا کنیم که همه افراد در این دامنه سنی در مدرسه حضور پیدا کرده‌اند، توصیه می‌شود پرداخت یارانه نقدی به خانوار نیز مشروط به حضور مستمر فرزندان آنها در مدرسه باشد. در آن صورت علاوه بر پوشش آموزش، پوشش طرح سلامت «یک وعده غذای گرم» نیز شمول نزدیک به صد درصدی پیدا می‌کند.

۷- توصیه می‌شود حال که دولت در آستانه ارائه و تصویب بودجه سال ۱۳۹۲ است، کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، این طرح را در شمار برنامه‌های محوری خود قرار داده و تلاش کند که با افتتاح و الزام دولت این برنامه را در ردیف بودجه‌ای سال آتی قرار دهند. زیبنده نیست که کشوری که به‌طور سالانه حدود ۷۰ میلیارد دلار نفت می‌فروشد، حدود ۲۲ درصد از دانش‌آموزانش در سنین ابتدایی در مدرسه حضور نداشته باشند و از آنهایی هم که حضور دارند بخش قابل ملاحظه‌ای دچار سوءتغذیه باشند ...

* مدرس دانشگاه تهران

برتری‌های «تغذیه رایگان مدارس» بر «یارانه نقدی»

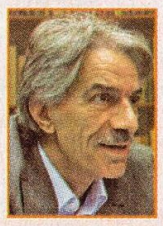

دکتر غلامعلی فرجادی

طرحی که در «پرونده ویژه» چهارشنبه پیش دنیای‌اقتصاد به اجمال بررسی شده بود، یعنی ارائه وعده غذایی رایگان در مدارس مناطق فقیرنشین کشور، از نظر بنده طرح قابل قبولی به نظر می‌رسد. این طرح، با کمک همزمان به ارتقای نرخ پوشش تحصیلی کودکان در مناطق محروم و نیز کمک به تغذیه بهتر این کودکان، هم سطح آموزش و هم سطح سلامت را در بین کودکان خانوارهای محروم ارتقا می‌دهد. همچنین با ارائه منظم وعده غذایی رایگان در مدارس مناطق محروم، توانایی یادگیری دانش‌آموزان افزایش یافته و در نهایت بهره‌وری آنان از نظر جسمی و علمی افزایش می‌یابد.

باید توجه کنیم که بنا به تحلیل‌های پذیرفته‌شده در حوزه «اقتصاد توسعه» و «اقتصاد فقر»، هم ارتقای سلامت و هم ارتقای آموزش، منجر به افزایش سطح سرمایه انسانی نسل بعد خانوارهای ساکن مناطق محروم شده و مهم‌ترین عاملی محسوب می‌شود که می‌تواند به توانمندسازی پایدار آنان کمک کند.

چه بسا بهتر بود که سیستم پرداخت یارانه نقدی، از همان ابتدا به این سمت حرکت می‌کرد و به جای اینکه مشمول کلیه افراد شود، صرفا دهک‌های اول و دوم و سوم درآمدی را هدف می‌گرفت و از نظر شیوه اجرا نیز بسیار بهتر بود اگر بخش ناچیزی از آن صرف پرداخت‌های مستقیم و نقدی می‌شد و بخش عمده درآمد حاصل از اجرای هدفمندی به آموزش، بهداشت، تامین اجتماعی و اشتغال دهک‌های درآمدی پایین اختصاص می‌یافت.

به هر حال، اگر زمانی برسد که دولت یا مجلس، شکل فعلی پرداخت یارانه نقدی را اصلاح کنند و برنامه‌های جایگزینی مانند «ارائه وعده غذایی رایگان در مدارس مناطق محروم» یا «توسعه پوشش بیمه‌های بهداشت و درمان» را در دستور کار قرار دهند، قطعا باید آن را به فال نیک گرفت. اما همان‌طور که اشاره شد، لازم است جزئیات برنامه‌هایی که جایگزین شیوه فعلی پرداخت یارانه نقدی می‌شوند، به گونه‌ای طراحی شوند که اولا جامعه هدف آنها بیشتر دهک‌های درآمدی پایین باشند؛ ثانیا، بیشتر بر ارتقای آموزش و بهداشت و تامین اجتماعی متمرکز باشند.

عیدی به کودکان مناطق محروم

درصد فقر کودکان ایرانی، حدود یک و نیم برابر میانگین نرخ فقر عمومی جامعه ایران است

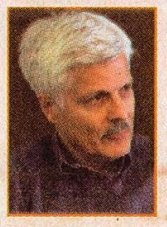

دکتر جواد صالحی اصفهانی*

ارائه وعده غذایی رایگان در مناطق فقیرنشین، به سه علت به هزینه کردنش می‌ارزد: جایزه دادن به والدین خانواده‌های فقیر برای فرستادن کودکان به مدرسه، کمک به بهبود برابری فرصت‌ها و افزایش سرمایه‌گذاری در زمینه ارتقای «سرمایه انسانی».

سرمایه‌گذاری در تغذیه کودکان، در افزایش سرمایه انسانی آینده آنها تاثیرگذار است و بهترین نوع سرمایه‌گذاری خواهد بود. به علاوه، باید توجه کنیم که در ایران «نابرابری فرصت‌ها» در سطح نسبتا بالایی قرار دارد.

در مطالعاتی که ما سال گذشته درباره استانداردهای یادگیری دانش‌آموزان ایرانی انجام دادیم، بر مبنای نتایج آزمون استاندارد TIMSS که وضعیت دانش علوم و ریاضی دانش‌آموزان در سال هشتم تحصیل (سال آخر راهنمایی) را می‌سنجد، مشاهده کردیم میان نمره‌ای که دانش‌آموزان در آزمون TIMSS می‌گیرند با منطقه محل زندگی آنها و میزان تحصیلات پدر و مادرشان ارتباط زیادی وجود دارد. براساس پژوهش ما، احتمال آنکه یک دانش‌آموز ایرانی متعلق به خانواده‌ای ثروتمند در جمع ۱۰ درصد نمرات بالای آزمون TIMSS قرار گیرد، حدود ۵۴ درصد است (در مقایسه با احتمال ۴ درصدی برای دانش‌آموز متعلق به خانواده‌ای از پایین‌ترین دهک درآمدی)

به این ترتیب، هر برنامه‌ای که بتواند به برابر تر شدن کیفیت آموزش کودکان ایرانی کمک کند، وضعیت «برابری فرصت‌ها» در جامعه ایران را به طور محسوسی بهبود خواهد داد. یکی از راه‌هایی که این امر را امکان‌پذیر می‌کند، سرمایه‌گذاری به منظور ارتقای کیفیت معلمان مناطق محروم است و راه دیگر این است که شرایطی فراهم کنیم تا کودکان مدارس مناطق محروم، از لحاظ تغذیه در شرایط خوبی قرار داشته باشند و دست‌کم اطمینان داشته باشیم که دانش‌آموز گرسنه سر کلاس درس نمی‌نشیند.

اجرای چنین برنامه‌ای، به‌رغم بودجه اندک مورد نیاز، تاثیر بالایی بر ارتقای «برابری فرصت‌ها» و افزایش «سرمایه انسانی» خواهد داشت و به عبارت دیگر، کمک خواهد کرد که ما بتوانیم نیرویی با بازدهی بالا تحویل جامعه دهیم.

به علاوه، در این زمینه، سازمان‌های غیردولتی یا NGOها نیز می‌توانند نقش مهمی در اجرای این طرح ایفا کنند. مدرسه‌ها ممکن است با کمبود پرسنل مواجه باشند و نتوانند یک کار اضافی در کنار کار همیشگی خود انجام دهند، برخی از آنها نیز ممکن است دارای فضای آشپزخانه نباشند و نتوانند غذا را در مدرسه تهیه کنند. در این حالت خانواده‌های داوطلب می‌توانند در تهیه غذا و NGOها در توزیع آن کمک کنند.

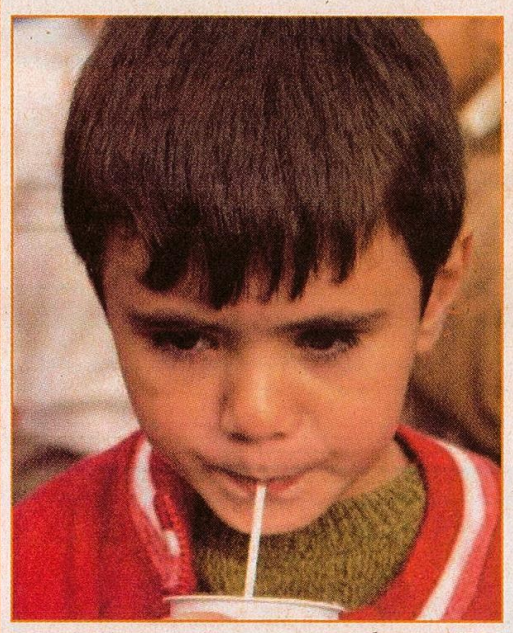

اما بودجه این طرح چگونه باید تامین شود؟ به نظر من دولت‌ها مهم‌ترین متولیان اجرای چنین طرح‌هایی هستند. در ایران، دولت با پخش کردن یارانه‌های نقدی در سطح خانوارها تلاش کرده است به عدالت اجتماعی کمک کند. اما لازم است برنامه‌هایی به منظور تقسیم عادلانه‌تر این پول در داخل خود خانواده‌ها و افزایش سهم کودکان از این یارانه‌ها طراحی کنیم که ارائه وعده غذایی رایگان در مدارس مناطق محروم، برنامه‌ای در این راستا خواهد بود.

اگر ما خط فقر را در سطح درآمد سه هزار تومان در روز در نظر بگیریم، محاسبات آماری بنده نشان می‌دهد که درصد فقر کودکان در ایران، حدود یک و نیم برابر میانگین نرخ فقر عمومی جامعه ایران است. یعنی احتمال اینکه بچه‌ای فقیر باشد، یک و نیم برابر بیشتر از افراد بزرگسال است و این امر ضرورت طراحی سیاست‌های ویژه کمک به کاهش فقر کودکان را، گوشزد می‌کند. از این رو است که هدف‌دار کردن یارانه‌ها در چارچوب برنامه‌هایی مانند ارائه وعده غذایی رایگان، عیدی‌ای است که به کودکان ایران تعلق می‌گیرد.

* مدرس اقتصاد دانشگاه «ویرجینیاتک»

پژوهش‌ها پیرامون توزیع وعده غذایی رایگان در مدارس مناطق فقیرنشین:

طرحی آزموده‌شده

به نظر می‌رسد که در ایران، اجرای این طرح در مدارس پیش‌دبستانی و نیز راهنمایی و دبیرستان، به مراتب اثرگذاری بیشتری را به همراه خواهد داشت

دکتر مهدی مجبوری*

«پرونده ویژه» اخیر دنیای اقتصاد، به موضوع بررسی برنامه ارائه تغذیه رایگان در مدارس مناطق محروم پرداخته بود.

اما صرف‌نظر از تاثیرات مثبت چنین طرحی بر بهبود وضعیت تغذیه و نیز نرخ پوشش تحصیلی در مناطق محروم، مقاله کوتاه پیش‌رو می‌کوشد تا مروری اجمالی بر بخشی از تحقیقات تجربی داشته باشد که به دنبال سنجش میزان تاثیر چنین طرح‌هایی بر پارامترهای مختلف مربوط به محرومیت و فقر بوده‌اند:

پژوهش در کنیا

دو تن از محققان برجسته حوزه «اقتصاد توسعه»، طرحی مشابه طرح توزیع وعده غذایی رایگان را در مدارس پیش‌دبستانی یکی از مناطق بسیار فقیرنشین کنیا در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ میلادی، به‌طور علمی آزمایش کردند تا تاثیرات مثبت و منفی آن را بررسی کنند (Kremer and Vermeersch2004). در این تحقیق، تعدادی از مدارس پیش‌دبستانی واقع در یک منطقه جغرافیایی به‌طور اتفاقی انتخاب و به دوگروه تقسیم شدند: ۱-مدارسی که این طرح درآنها اجرا شد (گروه دریافت‌کننده)، ۲-مدارسی که این طرح در آنها اجرا نشد (گروه کنترل).

این دو گروه مدارس، چون به صورت اتفاقی انتخاب شده بودند، پیش از اجرای برنامه به طور متوسط مشابه یکدیگر بودند (از نظر ریاضی می‌توان ثابت کرد که اگر تعداد مدارس انتخاب شده به اندازه کافی بزرگ باشد، برای مثال بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ مدرسه، این مدارس به طور متوسط مشابه یکدیگرند). بنابراین اگر این طرح در مدارس «گروه دریافت‌کننده» اجرا نمی‌شد، این مدارس به لحاظ شاخص‌های مختلف آماری، باید به‌طور متوسط مشابه مدارس «گروه کنترل» باقی می‌ماندند. اما به موجب این طرح، مدارس گروه دریافت‌کننده به کودکان صبحانه می‌دادند و نکته جالب توجه اینکه، این صبحانه رایگان نبود و مدارس ۶۰درصد هزینه آن را از والدین دریافت می‌کردند. با این وجود، در اثر اجرای این طرح، تعداد کودکان خانوارهای فقیری که در این مدارس ثبت‌نام کردند، نسبت به مدارس گروه کنترل ۳۰درصد بیشتر شد. میزان یادگیری کودکان تنها در مدارسی که معلم با تجربه داشتند، افزایش یافت. همچنین وزن کودکان پسر بیشتر شد.

پژوهش در هند

طرح‌های پژوهشی این‌چنینی در کشورهای مختلف انجام و نتایج نسبتا مشابهی حاصل شد. یکی دیگر از این تجربه‌ها در هند اتفاق می‌افتاد؛ جایی‌که در بسیاری از ایالت‌های آن، مدارس مقطع ابتدایی ناهار رایگان دراختیار کودکان قرار می‌دهند. یکی از تحقیقات انجام‌شده روی این برنامه نشان می‌دهد، به تعداد دخترانی که به مدرسه می‌رفتند بعداز اجرای این طرح ۱۰ درصد اضافه شد (Afridi 2010). تحقیق دیگری نیز نشان می‌دهد چنین طرحی در زمانی که «قحطی» ایالت آندراپرادش را فراگرفته بود بیشترین تاثیر را روی کودکان کم سن و سال داشته و حتی نمره درسی آنها را به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش داده است. اما در هیچ کدام از این تحقیقات، از بهترین روش اندازه‌گیری تاثیر برنامه‌های مبارزه با فقر، یعنی تقسیم مدارس به طور تصادفی به گروه‌های کنترل و دریافت‌کننده، استفاده نشده است. لذا این نتایج، دقت نتیجه تحقیق کنیا را ندارند (Singh 2008).

تاثیر ارائه «قرص آهن» و «یُد»

علاوه بر این می‌دانیم که کمبود مواد معدنی مانند «آهن» یا «یُد»، می‌توانند تاثیر جدی بر سلامت و درآمد داشته باشد. در تحقیق دقیق و فراگیری که در اندونزی و توسط چند تن از بهترین محققان انجام شد، تعدادی از مردان و زنان به طور تصادفی به دو گروه تقسیم شدند (Kremer et al. 2004). «گروه دریافت‌کننده»، هر هفته یک قرص آهن ۱۲۰ میلی‌گرمی و «گروه کنترل» قرصی از جنس قرص آهن در طول مدت یک‌سال دریافت کردند که هیچ ماده موثری در آن نبود. بعد از یک‌سال، درآمد سالانه گروه دریافت‌کننده به طور متوسط ۴۶ دلار بیشتر از درآمد گروه کنترل شد.

این مقدار شاید ناچیز به نظر برسد، اما اگر در نظر داشته باشید که هزینه مصرف این میزان آهن در یک سال تنها ۷ دلار است، می‌بینید که سود ناشی از مصرف آهن چیزی نزدیک به ۵۷۵درصد خواهد بود (چون در اندونزی ماهی یکی از غذاهای محبوب مردم است، یک روش برای افزایش میزان آهن در غذای مردم، اضافه کردن آهن به سس ماهی است، که تنها ۷ دلار در سال به ازای هر نفر هزینه در بردارد). به عبارت دیگر دولت اندونزی می‌تواند به ازای هر دلاری که برای رساندن آهن به مردم مصرف می‌کند، به طور متوسط ۵/۷۵ دلار به درآمد آن فرد اضافه کند.

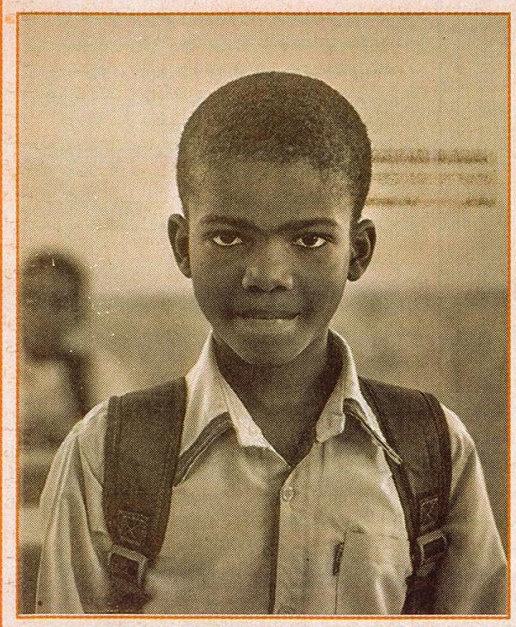

اهمیت پژوهش برای انتخاب طرح بهینه

از آنجا که در ایران نیز کمبود موادمعدنی مانند آهن در مناطق محروم کشور رایج است، شاید یکی از روش‌های کم‌هزینه اما بسیار موثر برای بهبود تغذیه و کاهش فقر، رساندن این مواد معدنی به کودکان و بزرگسالان باشد.

نکته‌ای که لازم است به آن توجه شود این است که شرایط محیطی در تعیین تاثیرات این‌گونه برنامه‌ها می‌تواند تعیین‌کننده باشد. برای مثال در ایران هم‌اکنون بنا به آمارهای رسمی بالغ بر ۹۰ درصد کودکان در مقطع ابتدایی ثبت‌نام می‌کنند، اما این میزان برای کودکان مقاطع پیش‌دبستانی، راهنمایی و دبیرستان کاهش می‌یابد. بنابراین اجرای این طرح در مدارس ابتدایی، ممکن است در بسیاری از مناطق ایران، تاثیر اندکی روی درصد کودکانی که به مدرسه می‌روند، داشته باشد. درحالی که طرحی مشابه در مدارس پیش‌دبستانی، راهنمایی و دبیرستان، به مراتب اثرگذاری بیشتری را به همراه خواهد داشت. تحقیقات دقیقی که در سال‌های اخیر انجام شده نشان می‌دهد، آموزش و تغذیه در سنین پیش‌دبستانی (چه در خانه یا چه در مدرسه) می‌تواند آینده یک کودک را به طور جدی تحت تاثیر قرار دهد.

نکته آخر اینکه از چنین طرح‌هایی می‌توان در راستای مبارزه با فقر بهره برد، اما از آن جهت که منابع قابل استفاده برای این طرح‌ها، به صورت بالقوه می‌توانند صرف طرح‌های دیگری شوند باید اثرگذاری آنها از پیش مورد آزمایش واقع شود. اگر سیاست‌گذاران بدانند چه طرح‌هایی برای مبارزه با فقر یا افزایش آموزش وجود دارد و هر طرح دقیقا چه نتایج و چه هزینه‌هایی در پی خواهند داشت، به سادگی می‌توانند موثرترین طرح‌ها را انتخاب و اجرا کنند.

* مدرس اقتصاد توسعه در کالج بابسون _ ایالت ماساچوست (mmajbouri@babson.edu)

منابع:

[1]: Kremer, Michael, and Christel Vermeersch. 2004. "School Meals, Educational Achievement and School Competition: Evidence from a Randomized Evaluation," World Bank Working papers.

[2]: Thomas, Duncan, and Elizabeth Frankenberg, Jed Friedman, et al. 2004. "Causal Effect of Health on Labor Market Outcomes: Evidence from a Random Assignment Iron Supplementation Intervention"

[3]: Afridi, Farzana. 2011. "The Impact of School Meals on School Participation: Evidence From Rural India" The journal of development studies, Vol 47 No. 11: 1636-1656.

[4]:Singh, Abhijeet. 2011. "Do School Meals Work? Treatment Evaluation of the Midday Meal Scheme in India", Working paper.

وقتی «مدرسه» کاستی‌های سبد خانوار را پر می‌کند

دکتر شیوا دولت‌آبادی*

من به عنوان یک دوستدار کودکان و به عنوان کسی که سال‌ها است با دغدغه‌مندی وضعیت عمومی کودکان در ایران را دنبال می‌کنم، در بسیاری از موارد شاهد رشد ناکافی آنها هستم. کوتاه‌قدی اکثریت کودکان، در برخی از مناطق کشور کاملا محسوس است و این امر به سوءتغذیه آنها باز می‌گردد. البته کوتاه‌قدی تنها نتیجه تغذیه نامناسب در کودکان نیست، این امر می‌تواند کم‌توانی ذهنی در کودکان را نیز به دنبال داشته باشد چرا که تغذیه ناکافی موجب می‌شود مغز نتواند توانایی‌های بالقوه خود را به منصه ظهور برساند.

این امر در حالی است که تغذیه مناسب و آگاهانه، می‌تواند در تغییر کلی کیفیت جمعیت نقش داشته باشد. کما اینکه به طور میانگین ژاپنی‌ها که دو نسل قبل به نظر می‌رسید دارای ویژگی ژنتیکی قد متوسط هستند، با تغییر تغذیه و رشد بهداشت توانستند رشد قابل توجهی از این لحاظ کسب کنند. مسلما کودکان ایرانی در خانواده‌هایی با عدم امکانات کافی که نمی‌توانند به تغذیه آنها توجه کنند، به نهادی نیازمندند که بر این امر نظارت داشته باشد و حداقل کلسیم‌ها و ریزمغذی‌ها را برای آنها فراهم کند. بهترین جایی که می‌تواند کودک از طریق آنها این مواد را فراهم کند، مدرسه است. تامین شدن این مواد از سوی مدرسه همچنین موجب انتقال اطلاعات به خانواده‌ها می‌شود درباره اینکه چه مواد غذایی برای آنها مناسب است؛ ضمن اینکه کسری مواد غذایی که در سبد خانوار نبوده، از سوی این نهاد زیرمجموعه آموزش و پرورش تامین می‌شود.

در فرآیند تغذیه برای کودکان مدارس مناطق محروم، همچنین باید به این نکته توجه داشت که به طور سنتی در خانواده‌ها این تصور وجود دارد که پسران به لحاظ جثه درشت نیاز بیشتری به مواد غذایی مقوی دارند. این در حالی است که گرچه دختران اندام ظریف‌تری دارند و ممکن است حجم کمتری از مواد غذایی را مصرف کنند اما آنها به لحاظ کیفیت مواد غذایی به اندازه پسرها نیازمند مواد با کیفیت بالا هستند. باید توجه داشته باشیم که دختران زنان و مادران آینده هستند و هر چقدر از قدرتمندی جسمی بیشتری برخوردار باشند، فرزندان بهتر و سالم‌تری به دنیا می آورند. زنان بارداری که دچار سوءتغذیه هستند ممکن است دچار زایمان‌های زودرس شوند، همچنین آنها به دلیل عدم آگاهی ممکن است فاصله‌های بارداری کوتاه‌تری داشته باشند که تمام اینها آسیب‌هایی را به خود آنها و جامعه وارد می‌کند. در نتیجه مشاهده می‌کنیم که تغذیه دختران در مدارس مناطق محروم به شکل مداوم با گذر سال‌ها موجب تولد فرزندان سالم از مادران سالم خواهد شد.

* رییس هیات مدیره «انجمن حمایت از حقوق کودکان»